

بررسی تفاوت‌های بین زنان و مردان از منظر فیزیولوژیک و شناختی

نسرین شهبازی^۱، سمیه آقامحمدی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استادیار دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران.

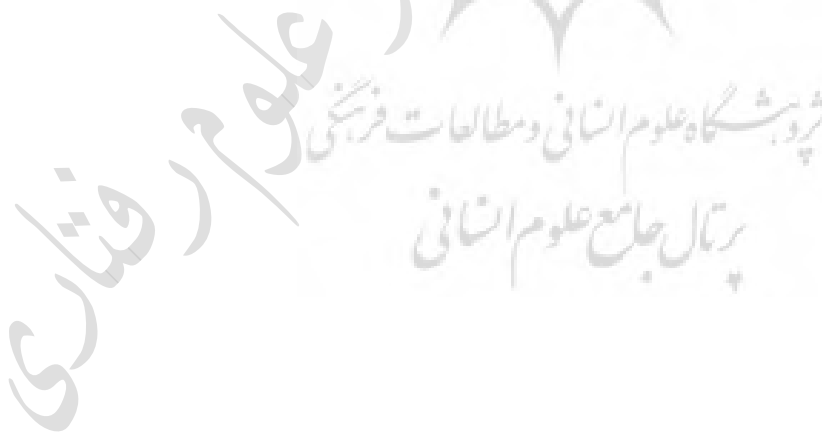
مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره سی و هشتم، آذرماه ۱۳۹۸، صفحات ۶۱-۸۲

چکیده

هدف از این مطالعه بررسی تفاوت بین زن و مرد از منظر فیزیولوژیک و شناختی است که به روش مروری و کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که ملاک کرامت و شرافت افراد، انسانیت است نه جنسیت، اما کسی نمی‌تواند تفاوت‌های طبیعی زن و مرد را منکر شود و اختلاف‌های غرایز و تمایلات و استعدادها را آن‌ها را انکار کند و نیاز است به این تفاوت‌ها توجه شود. همچنین اندازه متوسط برخی از ویژگی‌های خونی و هورمونی در زن و مرد متفاوت است، به‌گونه‌ای که مشاهده آنچه در بدن مرد طبیعی می‌نماید، در پلاسمای خون یا ادرار زن - مثلاً - هشداردهنده است و می‌تواند نشانه نوعی اختلال یا بیماری باشد. همچنین بهره‌های کلی زنان و مردان تا حد زیادی مشابه و یکسان است.

واژه‌های کلیدی: زن، مرد، فیزیولوژیک، شناختی.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره سی و هشتم، آذرماه ۱۳۹۸



مقدمه

امروزه در بحث دیدگاه‌های مربوط به تفاوت‌ها نشان داده شده که کمتر موضوعی همچون بحث از تفاوت‌ها و آثار آن، کانون توجه شاخه‌های متعدد علمی قرار گرفته و این چنین مورد نقض و ابرام و نیز منشأ تحولات در دهه‌های اخیر گشته است. پیوند مستحکم موضوع تفاوت‌ها با دو مبحث اساسی «نقش‌ها» و «حقوق»، مستمسکی برای کسانی بود که می‌خواستند از طریق نفی تفاوت‌ها، به نفی هرگونه تمایز نقش و تفاوت حقوقی میان زن و مرد پردازند. بی‌شک یکی از مبانی مهم و اصلی جریان تشابه محور و به تعبیر دیگر، فمینیست‌ها در ادوار مختلف تاریخ خصومت این جریان با طبیعت و آموزه‌های دینی، مسئله تفاوت‌ها بوده است. میزان القائات آنان به حدی بوده است که افکار عمومی حتی در متن جوامع اسلامی، یکسانی کامل زن و مرد در تمام حوزه‌ها را تا حدود زیادی پذیرفته‌اند و به‌جز معدود تفاوت‌های جسمی، این دو صنف را کاملاً همسان انگاشته‌اند. چنین شده است که تعاریف زنان از زن بودن (تعریف هر یک از زن و مرد از خویشتن خویش و پاسخی که به پرسش «من کیستم؟» و «من چیستم؟» می‌دهد تا به‌وسیله آن از جنس مقابل) متمایز شود، «هویت جنسی» نام دارد. بحث تفاوت‌های طبیعی به‌صورت جدی در هویت جنسی زن و مرد اثرگذار است (عضدانلو، ۱۳۹۵).

مردان از مرد بودن خویش، دچار تغییر جدی گشته و تفکیک نقش آنچه فرد برای شناساندن خود به‌منزله یک پسر یا دختر می‌گوید یا انجام می‌دهد، «نقش جنسی» نام دارد؛ وظایف میان آن دو در خانه و اجتماع، تمسخرآمیز جلوه نموده و احکام متفاوت میان زن و مرد، مربوط به عصر و شرایط خاص دانسته شده و اکنون همه آن‌ها قابل تغییر است. حال چنانچه فراتر از جنبه‌های شعاری و لقلقه‌های زبانی، برای خالق عالم هستی حقیقتاً از اعماق جان، حکمت، تدبیر و قدرت قائل باشیم و نظام حاکم بر جهان را ناشی از برنامه از پیش طرح‌ریزی شده و بر اساس نظام احسن بدانیم که همه‌چیز در آن، حکیمانه و در جایگاه مناسب خویش است، آثار و نتایج نفی و اثبات تفاوت‌های طبیعی و تشریحی روشن‌تر می‌گردد (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۹۷).

با توجه به مطالب مطرح شده مسئله تفاوت‌های زن و مرد یکی از مهم‌ترین مسائل در تنظیم روابط اجتماعی و به‌ویژه خانواده است که اندیشمندان فراوانی بر ضرورت توجه به این تفاوت‌ها تأکید کرده‌اند. در بررسی موارد تفاوت‌های زن و مرد به تفاوت‌های فراوان جسمی، روحی و روانی میان زن و مرد دست می‌یابیم که در این نوشتار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

پیشینه پژوهش

نتایج تحقیقات تأیید کننده تفاوت بین زنان و مردان است از جمله در پژوهشی نخعی نیا و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تفاوت‌های زن و مردان از لحاظ توانایی‌های روحی، قدرت بدنی و کارآمدی پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد بعضی اصرار دارند که تفاوت زن و مرد را در استعدادهای جسمی و روانی به حساب نقص بودن زن و کامل تر بودن مرد بگذارند و چنین وانمود کنند که قانون خلقت بنا به مصلحتی زن را ناقص آفریده است و یا برعکس (طبق گفته برخی غربیان) مرد را ناقص الخلقه و زن را موجود برتر بدانند ولی چه لزومی دارد که تفاوت‌های زن و مرد را به حساب ناقص الخلقه بودن یکی و کامل تر بودن دیگری بگذاریم که مجبور شویم گاهی طرف مرد را بگیریم و گاهی طرف زن را. قانون خلقت هم این تفاوت‌ها را برای این به وجود آورده است که پیوند خانوادگی زن و مرد را محکم‌تر و شالوده وحدت آن‌ها را بهتر بریزد و به دست خود حقوق و وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کند. این قانون تفاوت‌های زن و مرد را به منظوری شبیه منظور اختلافات میان اعضاء یک بدن ایجاد کرده اگر هر یک از چشم و گوش و دست و پا و ستون فقرات را در وضع مخصوصی قرار داده نه از آن جهت است که با دو چشم به آن‌ها نگاه می‌کرده و نظر تبعیض داشته و به کسی نسبت به دیگری جفا روا داشته است. به هر حالت تفاوت‌های زن و مرد «تناسب» است نه نقص و کمال. لتیتا آنه پپلاو^۱ (۲۰۰۳) در پژوهشی در زمینه مجموعه بزرگی از تحقیقات علمی چهار تفاوت مهم بر حسب جنسیت را مستند کرده‌اند. ابتدا، در بسیاری از شرایط، مردان تمایل جنسی بیشتری نسبت به زنان نشان می‌دهند. دوم، زنان در مقایسه با مردان تأکید

^۱- Letitia Anne Peplau

بیشتری بر روابط تعهد شده در حوزه روابط جنسی نشان می‌دهند. سوم، تجاوز برای مردان نسبت به زنان ارتباط قوی‌تری با تمایلات جنسی دارد. چهارم، تمایل جنسی زنان در گذر زمان قابل انعطاف‌تر و قابل تغییر است. این تفاوت‌ها در مرد و زن فراگیر است، بر افکار و احساسات و همچنین رفتار آن‌ها اثرگذار است. تعاریف این الگوها در نظر گرفته شده است. همچنین صفری و ایمانیان (۲۰۰۹) بیان نمودند که دلیل وجود تفاوت، هم در امور جنسی و هم در جنسیت، زنان و مردان نیازهای متفاوتی دارند. از طریق مفاهیم مرتبط با حقوق انسانی، توسعه و پیشرفت تفاوت‌های مبتنی بر جنسیت تصدیق می‌شوند. در همه‌جا جنسیت با تغییرات در طبقه، نژاد، قومیت، مذهب و سن ترکیب شده است و تنوعات فراوانی را ایجاد می‌کند. جنیفر^۱، پارتریج^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تفاوت‌های جنسیت و طول عمر در مردان و زنان پرداختند. آنان بیان نمودند تفاوت‌های جنسیتی در طول عمر در سرتاسر جهان وجود دارد که در آن زنان نسبت به مردان بیش از یک دهه در برخی کشورها بیشتر عمر می‌کنند. اهمیت این مسئله آنجا دانسته می‌شود که بدانیم امروزه، اکثریت قریب به اتفاق برنامه‌ریزی‌ها، الگوها و تحولات در جهان معاصر، بر مبنای نفی تفاوت‌های زن و مرد و نیز عدم دخالت تفاوت‌ها در شئون مختلف طرح‌ریزی شده است. لذا به جرأت می‌توان گفت که چنانچه خالق هستی و آموزه‌های دینی او به گونه‌ای تصویر شده باشد که تفاوت‌های زن و مرد، از بازیگران اصلی این سیستم باشند، تنها با تحلیل درست از دیدگاه تفاوت محوری و بررسی آثار و کارکردهای آن، خواهیم توانست از هضم شدن در برنامه‌ای مغایر با اغراض الهی، جلوگیری نمائیم.

¹- Jennifer, Regan

²- Linda Partridge

روش

روش تحقیق این نوشتار مروری و کتابخانه‌ای است که از مقالات و کتاب‌های مختلف در این زمینه استفاده شده است. روش کتابخانه‌ای در تمام تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بعضی از آن‌ها موضوع تحقیق از نظر روش، از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای است.

مبانی نظری

تفاوت‌های زن و مرد

در زن و مرد، شاهد دودسته تفاوت می‌باشیم. برخی خاستگاهی محیطی داشته و حاصل تربیت اجتماعی و مربوط به ویژگی‌های فرهنگی بوده و لذا در اعصار گوناگون، تفاوت کرده است (بگلی، ۱۳۷۴).

دسته دوم، تفاوت‌هایی هستند که خاستگاه طبیعی داشته و تفاوت‌هایی ذاتی و نه عرضی می‌باشند. بدین جهت، گذشت زمان خللی در آن ایجاد نمی‌کند. البته این بدان معنا نیست که چنانچه طبیعی بودن یک تفاوت میان زن و مرد اثبات شد، نتوان هیچ مورد استثنایی برای آن پیدا کرد (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۸۵). ضمن آنکه تفاوت‌های تکوینی گرچه ناشی از خاستگاهی طبیعی‌اند ولی در برخی از آن‌ها، این امکان وجود دارد که عوامل تربیتی و محیطی، آن ویژگی‌ها را تضعیف یا تشدید کنند (پیره، ۱۳۷۷).

تمایزات جنسیتی

ویلهلم وونت که از پایه‌گذاران روانشناسی جدید است بدون توجه به تفاوت‌های فردی به مطالعه ساختار ذهن و شناخت پرداخت. وی معتقد بود فعالیت‌های ذهنی تحت تأثیر تفاوت‌های فردی از جمله جنسیت نیست (خسروی، ۲۰۰۳).

بر اساس تحقیقات به‌عمل‌آمده، اولین آزمایش‌های علمی ثبت‌شده درباره تفاوت بین زن و مرد، توسط فرانسیس گالتون در سال ۱۸۸۲ انجام‌شده و در موزه لندن نگهداری می‌شود (پیس^۱، ۲۰۰۱). فروید معتقد بود که غرایض، انرژی اصلی را برای رشد شخصیت فراهم می‌آورد. به اعتقاد وی ادراک کودک از تفاوت‌های آناتومیک بین پسرها و دخترها رویدادی محوری در شکل‌گیری شخصیت آن‌ها است (خسروی، ۲۰۰۳). کارل، فیزیولوژیست و پزشک مشهور می‌گوید؛ اختلاف زن و مرد تنها به شکل ظاهری آن‌ها نیست، بلکه عمیق‌تر است و از تأثیر مواد مترشحه غدد تناسلی در خون ناشی می‌شود، به طوری که تک‌تک سلول‌های بدن، به‌ویژه سلول‌های سیستم عصبی زن و مرد، نشانه جنسی بر روی خوددارند (مؤذنی و مؤذنی، ۲۰۱۲).

یک دانشمند آمریکایی به نام چسلر برای از بین بردن تعصب بیجای جنسیتی در برابر زنان و مردان، ادراک سه‌بعدی این دو جنسیت را آزمایش کرد. این پژوهشگر دریافت که علیرغم حجم کوچک‌تر مغز زن نسبت به مرد، هوش عمومی او ۳ درصد بیشتر از مرد بود. وقتی مرحله حل جدول مارپیچ آزمون فراسید، مردان بدون توجه به خاستگاه فرهنگی‌شان، به‌صورت چشمگیری و با برتری ۹۲ درصد به ۸ درصد زنان را پشت سر گذاشتند که در حقیقت چنین نتیجه‌ای ادراک سه‌بعدی مردان را به اثبات می‌رساند (پیس، ۲۰۰۱). برخی از نظریه‌های مرتبط با ادراک جنسیتی در جدول زیر طبقه‌بندی شده است:

^۱- Pease

جدول ۱. دیدگاه‌ها و نظریه‌های مربوط به ادراک جنسیتی

نظریه پرداز	تخصص	تاریخ	نظریه / دیدگاه
فرانسیس گالتون	مخترع و پیشگام در علم ژنتیک	۱۸۸۲	تصاویر ذهنی در زنان و کودکان عینی‌تر و با جزئیات بیشتری هستند.
ویلهم وونت	روانشناس	۱۹۲۰	تصویرسازی ذهنی، همانند بسیاری خصوصیات دیگر، به صورت بهنجار در جمعیت پراکنده است، جنبه ارثی دارد.
زیگموند فروید	روانشناس	۱۹۳۹	فعالیت‌های ذهنی تحت تأثیر تفاوت‌های فردی از جمله جنسیت نیست.
کارول گیلیگان	روانشناس	۱۹۸۲	ادراک تفاوت آناتومیک بین دختر و پسر اساس تفاوت‌های جنسیتی است.
مک کابی	روانشناس	۱۹۷۴	بررسی الگوهای رفتاری، شخصیتی و اخلاقی زنان و مردان، زنان و مردان راه‌های تحولی متفاوتی می‌پیمایند، رفتارها و اخلاق‌های متمایزی دارند.
جک لینز	روانشناس	۱۹۷۴	اثبات وجود تفاوت بین دو جنس در توانایی‌های کلامی و عملی، هوش کلی زنان و مردان هیچ‌گونه تفاوت پایداری را در سنین مختلف نشان نمی‌دهد.
جس هاید	روانشناس	۱۹۹۳	دختران توانایی‌های کلامی را با سرعت بیشتر و کیفیت بهتری در مقایسه با پسران کسب می‌کنند.
ادوارد تی هال	انسان‌شناس	۱۹۸۴	زنان در قضاوت درباره هیجان‌ها و نحوه استنباط آن‌ها، از مردان بسیار توانمندتر هستند.

ادراک تفاوت‌های جنسیتی به‌جای تنفر باعث بها دادن زن و مرد به یکدیگر می‌شود.	۱۹۹۹	پزشک	سوزان کویلیام
وجود جنسیت مردانه و زنانه را واقعی نمی‌داند و آن را معلول یک‌رشته عوامل روانی، اجتماعی و فرهنگی معرفی می‌کند.	۱۹۹۸	پزشک	الیزابت بادانتر
برقراری تساوی محض بین زن و مرد از لحاظ جنسیتی؛ به عبارتی تفاوت‌های جنسی زن و مرد را می‌پذیرد؛ ولی هیچ‌گونه تفاوت جنسیتی برای آنان قائل نیست.	۱۹۷۹	کنوانسیون منع اشکال تبعیض علیه زنان	
متغیر دانستن جنسیت، نابرابری زن و مرد = نابرابری پایگاه اجتماعی.	۱۹۹۷	فمینیست‌ها	

در روانشناسی بحث تفاوت‌های جنسی در دو بخش تعریف می‌شود؛ بخش اول شامل تمایزات جنسی با ریشه زیست‌شناختی است که در تمایزات بیولوژیکی ریشه دارد و بخش دوم تمایزات جنسیتی نام دارد و در واقع به تفاوت‌هایی اشاره می‌کند که ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دارد و به عبارتی متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته، ولی اساساً دلیلی بر وجودش نبوده است. (مظاهری، ۲۰۰۴). پیگیری بحث در منابع علمی حاکی از تفاوت‌های متعددی میان دو جنس زن و مرد است؛ چیزی که پیشرفت علوم تجربی مانند روان‌شناسی فردی و اجتماعی، زیست‌شناسی و پزشکی نیز بر صحت آن مهر تائید نهاده که فمینیسم‌ها نیز نتوانسته‌اند در مقام انکار آن برآیند؛ به‌خصوص آنکه آگاهی از هویت جنسی - مرد یا زن بودن - به‌صورت ناقص و ناخودآگاه از ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی در افراد شکل می‌گیرد (اسکویی و انصاری، ۱۳۸۰). از نظر علمی اثبات شده هر سلول بدن انسان از ۲۳ جفت کروموزوم تشکیل شده است که ۲۲ جفت آن مشترک، ولی یک جفت آن در زن XX و در مرد XY است. کروموزوم Y باعث می‌شود جنین پسر باشد و متفاوت با الگوی دختر رشد کند (گنجی، ۱۳۸۶). از این رو گفته شده زن، جنس پایه و مرد، جنس فرعی است؛ زیرا کروموزوم X عنصر اصلی موجودیت انسان است و انسان با کروموزوم Y که مردانه است، به وجود نمی‌آید؛ بنابراین

کروموزوم‌های زنانه برترند؛ زیرا کروموزوم‌های X به کروموزوم‌های Y نیاز ندارد (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱)؛ برخلاف کروموزوم‌های Y که به کروموزوم‌های X نیاز دارند. از جمله دیگر تفاوت‌های روشن و همچنین مؤید به اکتشافات علمی اینکه، هورمون‌های جنسی نر باعث رفتارهای خشن و تهاجمی و رقابت و درگیری می‌شود؛ برخلاف هورمون‌های جنسی ماده که آرام‌بخش است و باعث رفتارهای صلح‌جویانه می‌شود (سیف و همکاران، ۱۳۷۷). مؤسسه «کنیزی» بزرگ‌ترین نهاد پژوهشی در زمینه سکس، در تحقیقات خود نشان داده که میل به ارتباط با زنان متعدد در مردان قرار داده شده که این نکته برای بقای نسل بااهمیت تلقی شده است (پیس، ۱۳۸۴). همچنین موضوع وابستگی زن به مرد و استقلال‌طلبی مرد امری طبیعی است؛ چه آنکه مرد توان جسمی بیشتری از زن دارد و از سوی دیگر، زن از طرد شدن و انزوا هراس دارد و به محبت، وفاداری و درک شدن نیازمند است (گری، ۱۳۸۰). همچنین نویسندگان مقاله «تبعیض جنسی» معتقدند: آنچه را پدران در رابطه با فرزندانشان باید بیاموزند، مادران به‌طور طبیعی دارا هستند (بازیس و جی گلز، ۱۳۷۹).

این موارد دلیل روشنی است که اصرار برخی‌ها بر اینکه تفاوت‌ها تنها خاستگاه تربیتی دارند، درست نیست، بلکه باید گفت این تفاوت‌ها ریشه در زمینه‌های زیستی دارند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸). همچنین مدارک زیست‌شناختی این نگاه را که در قرن بیستم تفاوت جنسیتی را مربوط به شرایط اجتماعی می‌دانستند، قاطعانه رد می‌کند؛ به این دلیل که هورمون‌ها و برنامه‌ریزی مغز، مسئول اصلی رفتارها، حالات و سلیقه‌هاست (حقگو، ۱۳۹۰). در نهایت سخن پزشک معروف فرانسوی «کارل» می‌تواند مؤید خوبی در این باره باشد. او در اهمیت توجه به تفاوت‌ها می‌گوید: نباید پرورش روحی و نوع زندگی دختر و پسر را با یک فرمول انجام داد. تشخیصی که تعلیم و پرورش اطفال را بر عهده‌دارند، باید متوجه این موضوع باشند که چون وضع ساختمانی جسمی و روحی دختر و پسر باهم فرق زیاد دارد، در پرورش و طرز تغذیه آن‌ها نیز باید تفاوت زیادی قائل شد (کارل، ۱۳۷۸).

اما برخی فمینیست‌ها از اثبات طبیعی بودن منشأ تفاوت‌ها وحشت دارند. وقتی این نظریه طرح شد که تفاوت‌های اجتماعی معلول تفاوت‌های طبیعی است، سخت‌ترین تهاجم‌های فمینیستی را در پی داشت، یا هنگامی که تفاوت‌های مغزی دو جنس برای دانشجویان پزشکی تشریح شد، گروهی گفتند نباید این پژوهش‌ها را منتشر کرد و دستاوردهای بیست‌ساله را به چالش کشاند (علاسوند، ۱۳۹۰).

انواع تفاوت‌های زن و مرد

با توجه به مباحث بیان‌شده در این بخش به انواع تفاوت‌های زن و مرد پرداخته‌شده است.

الف. تفاوت‌های فیزیولوژیک

در زمینه تفاوت‌های جسمانی زن و مرد، سخن بسیار است. پزشکان، فیزیولوژیست‌ها و زیست‌شناسان تحقیقات فراوانی در این زمینه داشته و برای هر یک از دو جنس، مقیاس‌ها و هنجارهای معین و مشخصی به دست داده‌اند. در این تمایزات و تفاوت‌ها، از دستگاه تناسلی و تولیدمثل (که اساسی‌ترین تفاوت جسمانی بین زن و مرد است) گرفته تا طول عمر هر یک از دو جنس و دستگاه‌های عصبی، گوارشی، استخوان‌بندی و تنفس و خون‌موردتوجه و تحقیقات موشکافانه بسیاری متخصصان این رشته قرار گرفته‌اند. روان‌شناسان از جمله روان‌شناسان رشد با تکیه بر همین مبانی و یافته‌های زیستی انسان و تفاوت‌ها و تمایزات زن و مرد، به تأثیر این تفاوت‌ها بر رفتار انسان و به تفسیر تفاوت‌های رفتار عاطفی و شناختی زن و مرد پرداخته‌اند. در اینجا، فقط به نمونه‌هایی از گفته‌ها و یافته‌های فیزیولوژیست‌ها اشاره می‌شود:

۱. پیچیده‌تر بودن دستگاه تناسلی زن نسبت به مرد، تحولات هورمونی و تغییرات آن در هرماه در طول عمر زن، مسائلی همچون قاعدگی، آبستنی، زایمان، شیردهی، یائسگی را پدید می‌آورد و بر جسم و روان و کار و رفتار زن تأثیر می‌گذارد.

۲. هورمون‌ها، میزان و نوع ترشح آن‌ها در سوخت‌وساز مواد مصرف‌شده توسط انسان، رشد اندام‌های گوناگون انسان، ایجاد حالت‌های هیجانی همانند پرخاشگری و حالت تهاجمی، مقاومت فرد در برابر میکروب‌ها، فعالیت جنسی و دیگر ابعاد جسمانی و نیز رفتاری و روانی هر یک از جنس زن و مرد تأثیرگذارند و تفاوت‌های بین زن و مرد را نمایان‌تر می‌کنند.
۳. بر اساس آمارها، طول عمر زنان ۴، ۷، ۸ و ۱۰ سال بیش از مردان است و به‌طور متوسط، آنان حدود ۷ سال بیشتر از مردان زندگی می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۱).
۴. در جهت شناخت فیزیولوژی زن و مرد، یافته‌ها و هنجارهای طبیعی آزمایشگاهی قابل توجهی وجود دارند. اندازه متوسط برخی از ویژگی‌های خونی و هورمونی در زن و مرد متفاوت است، به‌گونه‌ای که مشاهده آنچه در بدن مرد طبیعی می‌نماید، در پلاسمای خون یا ادرار زن - مثلاً - هشداردهنده است و می‌تواند نشانه نوعی اختلال یا بیماری باشد (حسینی، ۱۳۸۱).
۶. از نظر استخوان‌بندی نیز بین زن و مرد تفاوت‌های زیادی بیان شده‌اند، به‌گونه‌ای که در پزشکی قانونی، از این تفاوت‌ها به جنسیت فرد پی می‌برند؛ مثلاً، گفته‌اند: استخوان‌های مججمه و لگن از نظر جنسیت، بیشترین تفاوت‌ها را دارند، به‌گونه‌ای که از ۹۰ درصد افراد، تنها با بررسی مججمه و لگن، می‌توان جنسیت آن‌ها را مشخص کرد (گان، ۱۳۸۱).
۷. همین سان، در دیگر ابعاد جسمانی همچون دستگاه ادراری، قلب و ریه و دیگر اندام‌های انسان نیز به تفاوت‌های بین دو جنس تصریح شده و از سوی محققان و دانشمندان و بخصوص فیزیولوژیست‌ها تحقیقات و بررسی‌هایی صورت گرفته‌اند.

ب) تفاوت در هورمون‌های زن و مرد

تفاوت در میزان تولید هورمون تستوسترون از تفاوت‌های دیگر میان دو جنس است. به‌طوری‌که افزایش تستوسترون و دفع استروژن موجب ایجاد صفات مردانه و کاهش تستوسترون، موجب ایجاد صفات زنانه است (گری و همکاران، ۱۳۸۵). تولید پروتئین در اثر ترشح تستوسترون، موجب ایجاد ماهیچه‌ها و عضلات قوی‌تر و استحکام استخوان در مردان است (گنجی، ۱۳۸۶). برخلاف استروژن

که آرامش‌بخش است، افزایش تستوسترون، حالات تهاجمی و پرخاشگری را برمی‌انگیزاند (لطف‌آبادی، ۱۳۹۵). هورمون استروژن موجب زیبایی‌اندام و لطافت، نرمی پوست و تنظیم انحنای خاص اندام زنان و تنظیم تغییرات دوره‌ای رحم می‌شود (لمبروز، ۱۳۶۹). همچنین عامل کوتاهی قد و انعطاف و نرمی مفاصل زنان نسبت به مردان است. همچنین هورمون پروژسترون که هورمونی زنانه است، در آرامش‌بخشی و پیدایش احساس صلح و آرامش زنان در زمان بارداری و هورمون پرولاکتین در ترشح شیر و ایجاد رفتار مادرانه، مؤثر است (مشیرزاده، ۱۳۸۲).

ج) تفاوت‌های طبیعی

نمونه‌هایی از تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد بدین بیان است:

۱. گرایش به دین و مسائل معنوی در میان زنان بیش از مردان است. از این رو مردها بیشتر از زنان به مادیات گرایش دارند.
۲. دختران به دلیل تمایل بیشتر به روابط گروهی و ایثارگرانه، در بازی‌های گروهی کمتر از پسران به وضع قوانین تمایل دارند. در یک مطالعه میدانی، پسران پنجاه مرتبه بیشتر از دختران حالت رقابت نشان دادند؛ در حالی که دختران بیست برابر بیشتر از پسران هم‌صحبتی و مشارکت را برگزیدند. همچنین پسران بیش از دختران در بازی‌های بی‌قاعده، شلوغ و آسیب‌زننده مانند کشتی و جنگ شرکت می‌کنند (حقگو، ۱۳۹۰).
۳. دختران به توان، استعداد و پیشرفت پسران توجه می‌کنند، اما پسران بیشتر به ظاهر و جاذبه‌های جسمی دختران توجه می‌کنند؛ همان‌گونه که بعد از ازدواج نیز پسران اول به بُعد جسمی و سپس به ابعاد عاطفی و اجتماعی دختر توجه می‌کنند، اما دختران برعکس آن‌ها هستند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۱).
۴. مرگ‌ومیر مردان بزرگ‌سال بیش از زنان است. بر اساس آمار، طول عمر زنان بین چهار تا ده سال و به‌طور متوسط حدود هفت سال بیش از مردان است (هاید، ۱۳۷۷).

۵. حساسیت پوستی جنس زن از همان بدو تولد بیشتر است و با نوازش بدنی، نشاط روانی می یابد؛ به گونه ای که گفته شده حساسیت پوستی زن ده برابر بیشتر از مردان است. این مسئله در مسائل جنسی تأثیر فراوانی دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۱).
۶. میل جنسی مردان در جوانی بیشتر است، ولی میل جنسی زنان در میان سالی قوی تر است.
۷. از جمله دیگر تفاوت ها در این حوزه اینکه، دستگاه تناسلی مرد حدود ده سال دیرتر از دستگاه تناسلی زنان از فعالیت بازمی ایستد، ولی محدوده مناسب برای بارداری زنان اندک است؛ چراکه بهترین سن برای بارداری زنان از ۱۹ تا ۲۵ سالگی است و بعد از ۳۰ سالگی قدرت باروری آنان کاهش می یابد.
۸. زنان در استفاده هم زمان از دو نیمکره مغزشان تواناتر از مردان هستند؛ به همین دلیل دو نیمکره مغز در آن ها تخصصی نیست. همین امر از سطح تمرکز و دقت زنان در مسائل عمیق و پیچیده می کاهد (هاید، ۱۳۷۷).

د) تفاوت در توانایی های شناختی

روان شناسان وقتی از توانایی های ذهنی و شناختی انسان سخن می گویند، به سراغ مفهوم «هوش» و کارکردهای آن می روند و به آنچه در ظاهر ادراکات آدمی، حاصل سازواره بدن، به ویژه فعالیت مغز و قشر آن است، «هوش» می گویند. هوش به دو نوع «نظری» و «عملی» تقسیم می شود. «هوش نظری» برای شناخت روابط واقعیت ها به کار می رود و در میان نوابغ و فلاسفه و هنرمندان به صورت نمایان دیده می شود. «هوش عملی» شناخت محیط زندگی و سازگاری آن است.

رابطه هوش با جنسیت

از جمله مسائلی که همیشه مورد توجه روان شناسان بوده، این است که آیا هوش با جنسیت ارتباط دارد؟ در صورت ارتباط، میزان هوش در کدام یک از دو جنس بیشتر است؟ بآنکه تحقیقات کمی و کیفی زیادی در این باره صورت گرفته، ولی به لحاظ پیچیدگی

موضوع، پاسخ قطعی حاصل نشده و نتیجه بررسی‌ها از حد فرضیه فراتر نرفته است. در زمینه رابطه بین هوش و جنسیت، سه نظریه وجود دارند:

۱- عدم تفاوت هوش بین زن و مرد

در این دیدگاه، ادعا شده که بهره هوشی کلی زنان و مردان تا حد زیادی مشابه و یکسان است. از تفاوت اندک برتری هوشی پسران بر دختران نیز می‌توان چشم پوشید؛ زیرا این تفاوت از شرایط محیطی و عوامل اجتماعی ناشی می‌شود (پیره، ۱۳۷۷).

۲- فقدان رشد عقلی در زنان

برخی در زمینه کاستی مغز و توان هوشی زن، به افراط گراییده و گفته‌اند: زنان مغز ندارند؛ اگر سر کوچکشان را پرکنیم، از کار می‌افتد. شناخت‌های فکری برای زن به بهای از دست دادن ویژگی‌های زنانه ارزشمند پدید می‌آید. زنان باهوش نازا هستند و همه ناظران تأیید می‌کنند که زنان باهوش صفات و حالات مردانه دارند» عدم رشد عقلی در برخی اندیشه‌ها، از بزرگ‌ترین نقطه ضعف‌های شخصیت زن به حساب آمده است؛ امری که به ناستواری و غیرقابل اعتماد بودن شخصیت وی می‌انجامد و سبب می‌شود دیر یا زود نتواند معنویات و کمالاتی را که به دست می‌آورد، نگاه دارد و در اثر دخالت‌های عاطفی، عقل از مسیر خودش انحراف یابد (حسینی، ۱۳۸۱). از نظر موبیئوس^۱، ناتوانی ذهنی یا ضعف فکر زن نه فقط واقعیت، بلکه ضرورت است و نه تنها مواهب فکری زن از مرد کمتر است، بلکه آن‌ها را بسیار سریع‌تر از دست می‌دهد. سر زن کوچک‌تر از سر مرد است و سر کوچک به‌طور طبیعی مغز کوچک را در خود جای می‌دهد. ضعف فکری او را از استدلال دور می‌کند. از نظر روسو، تقریباً تمام دخترها خواندن و نوشتن را با اکراه

^۱- Mobeyos

می‌آموزند، اما کاربرد سوزن را همیشه داوطلبانه یاد می‌گیرند. هیچ هنری را نه دوست دارند و نه یاد می‌گیرند و هیچ نبوغی هم ندارند (گری^۱، ۱۳۷۹).

۳. تفاوت در توانمندی‌های هوشی

این دیدگاه عامل جنسیت را در توانمندی‌های هوشی مؤثر می‌داند و به امتیازات نسبی و برتر هریک از دو جنس در عوامل هوشی اشاره می‌کند و آن‌ها را ناشی از عوامل زیستی و هورمونی و مسائل وراثتی و امور طبیعی مانند دیگر تفاوت‌های موجود بین زن و مرد می‌انگارد و ضمن آنکه محیط و عوامل اجتماعی و فرهنگی را در بروز استعدادها مؤثر می‌شمارد، بر نقش مسائل فیزیولوژی، به‌ویژه هورمونی، تأکید می‌ورزد. در این زمینه از نتایج برخی تحقیقات نیز کمک گرفته‌اند:

الف) حجمه زنان و کودکان نازک‌تر از مردان است و حجمی حدود ۱۰ درصد کمتر از حجمه مردان دارد. اندازه مغز زنان کوچک‌تر وزن آن سبک‌تر است. درعین‌حال، اگر از ارتباط بین اندازه مغز و هوش سؤال شود، با یافته‌های کنونی نمی‌توان پاسخ قطعی داد، هرچند گفته شده: ضریب همبستگی بین حجم مغز و بهره هوشی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد است (کالاک^۲، ۱۳۹۶).

ب) درباره توانایی‌ها و مهارت‌های کلامی نیز باور غالب آن است که دختران برتری اندکی بر پسران در این زمینه دارند (پیره، ۱۳۷۷). در مرحله کودکی، دختران از پسران نسبت به تعداد یادگیری نخستین کلمات و ساختن جمله‌ها و ادای رسا و روشن آن‌ها، میزان استفاده از کلمات، حفظ خزانه لغات، خواندن و خلاقیت کلامی، نوشتن و هجی کردن و نکات گرامری برتر به نظر می‌رسند. آزمون‌های مربوط به کاربرد زبان و مهارت‌های کلامی این مطلب را تأیید می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸). مخفی‌نماند گروهی نیز با توجه به تحقیقات اخیر نظر داده‌اند که تفاوت در توانایی‌های کلامی بین دختران و پسران در مقایسه با سه دهه گذشته کمتر

¹- Gary

²- Calak

شده است. از این مطلب، می‌توان نتیجه گرفت که ممکن است این تفاوت از عوامل محیطی و زمینه‌های فرهنگی ناشی شود. این نکته مهم نیز قابل توجه است که برتری زنان در توانایی‌های کلامی از حد سیالی کلام فراتر نمی‌رود و درک کلامی و استدلال به آن (مانند قیاس کردن) دختران بر پسران برتری ندارند. در آزمون‌های غیرکلامی، تفاوت چشمگیری میان دختر و پسر بروز می‌یابد. این تفاوت همواره (به‌جز آزمون رمزنویسی) به نفع پسر است (خدارحیمی، ۱۳۷۷).

ج) در تفاوت زن و مرد در هوش کلی، گفته شده: گرچه برخی نمره هوشبهر زنان و مردان را تا حد زیادی مشابه دانسته و گفته‌اند: شواهد مبنی بر اینکه از نظر هوش کلی، یکی از دو جنس بر دیگری برتری داشته باشد، یافت نشده است و نابرابری‌های خاصی در بعضی از عوامل، یکدیگر را خنثی و تعدیل می‌کنند، اما پیداست که بعضی از استعدادها خاص در یکی از دو جنس قوی‌تر و رشد یافته‌تر از دیگری است (پیره، ۱۳۷۷). «هوش کلی» همان عوامل هوش است که از مجموعه آزمون‌های کلامی و غیرکلامی به دست می‌آید و توانایی عددی، روانی، کلامی، حافظه، استدلال، درک روابط فضایی و سرعت ادراک را شامل می‌شود (لسی مان، ۱۳۸۸).

پسران به‌طور نسبی در تجسم فضایی، استعداد مکانیکی، استدلال‌های ریاضی و منطقی بر دختران برتری دارند. برتری دختران نیز بر اساس گزارش‌ها در عوامل زیباشناسی (اشکال، رنگ‌ها، تصاویر)، توانایی‌های کلامی (تعریف کلمات) مهارت‌های یدی (دکمه کردن، نخ کردن) مورد تأیید است. (پیره، ۱۳۷۷). با توجه به این اظهارنظرها و این مطلب که تفاوت‌های فردی در هوش آشکارند و اشخاص گوناگون بهره‌های هوشی متفاوت دارند، برخی در تصور و تصویر کردن قوی هستند و استعداد بعضی برای یادگیری زبان زیاد است؛ همچنین دسته‌ای از افراد حافظه قوی دارند و می‌توانند واقعیت‌های مرتبط به همه‌چیز را در نظر بگیرند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸).

بحث و نتیجه گیری

در یک جمع بندی کلی می توان گفت: در ماهیت و سرشت وجودی تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و هر دو از گوهر انسانی مشترکی برخوردار هستند. همچنین زن و مرد در هدف غایی آفرینش، اشتراک دارند نه آنکه یک جنس محور اصلی هستی باشد و جنس دیگر فرعی و یا طفیلی و هیچ کدام مقدمه وجود دیگری نیست. هرچند با استناد به برخی متون دینی می توان گفت: زنان عواطف و احساسات بیشتری در مقایسه با مردان دارند و ثانیاً، از آنجاکه نقش مدیریت در خانواده نیازمند اعمال و نگرش منطقی و خردمندانه نسبت به قضایا در زندگی است، گذاشتن مسئولیت مدیریت خانواده به عهده مرد نشانه رجحان نوع مردان در برخورداری از این نگرش است؛ و در نتیجه می توان به نوعی تفاوت ادراکی بین زن و مرد قائل شد؛ و البته این تفاوت ناشی از قوت خود مرد نیست بلکه معلول صفت تعقل در اوست؛ به عبارت دیگر، در هر دو قدرت تعقل وجود دارد ولی در مرد مانع ها کمتر است و اقتضای تعقل بیشتر است. در روان شناسی نیز این تفاوت را می توان با مراجعه به توانایی های شناختی مطرح کرده است مورد تأیید و تأکید قرارداد.

در یک جمع بندی کلی باید گفت که زن و مرد اغلب بی توجه به تفاوت های بنیادین جسمی و روحی خود باهم برخورد می کنند. هنگام بروز اختلاف بین این دو جنس، بی توجهی به تفاوت های فی مابین روابط آنها را تیره تر و حل مسائل را دشوارتر می گرداند. پس نشانگر این است که ما تفاوت هایمان را از یاد برده ایم. مرد و زن اندیشه یکسانی ندارد. ابراز احساسات و نوع مقابله با مسائل آنان یکی نبوده و متفاوت است. اگر چنین فکر نکنیم زندگی نا آرامی خواهیم داشت. اگر تفاوت هایمان را بشناسیم و به خاطر بسپاریم قادر به حل مسائل زندگی خانوادگی خود خواهیم بود، فراموش نکنیم که شناخت زن و مرد از یکدیگر، می تواند، تأثیر زیادی در بهبود روابط آن دو داشته باشد.

منابع

- اسکویی، نسرین؛ انصاری، زهرا. (۱۳۸۰). هویت. تهران: ایتا.
- آکین، سوزان مولیر. (۱۳۸۳). زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب. ترجمه نوری زاده. تهران: قصیده‌سرا.
- بازیس، میخائیل اس؛ ریچارد جی. گلز. (۱۳۷۹). تبعیض جنسی. ترجمه فریبا شایگان. پیام زن، شماره ۱۰۶.
- بگلی، شارون. (۱۳۷۴). چرا مردان و زنان متفاوت فکر می‌کنند. ترجمه مرصده سمیعی، جامعه سالم، شماره ۲۱.
- بی‌ریا، ناصر، و همکاران. (۱۳۸۵). روانشناسی رشد با نگرشی به منابع اسلامی، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بی‌ریا، ناصر؛ رهنما، احمد و دیگران. (۱۳۹۷). روان‌شناسی رشد. تهران: انتشارات سمت.
- پیره، روژه. (۱۳۷۷). روانشناسی اختلافی زن و مرد. ترجمه محمدحسین سروری، ناشر: جان زاده.
- پیس، آلن و باربارا. (۱۳۸۴). آنچه زنان و مردان نمی‌دانند. ترجمه زهرا افتخاری. تهران: نسل نواندیش.
- حسینی، سید هادی؛ نجات، حمید؛ راسخ، علی احمد؛ حکیمی، سید محمد. (۱۳۸۸). کتاب زن. شرکت چاپ و نشر بین‌الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی).
- حسینی، سید هادی؛ و همکاران. (۱۳۸۱). کتاب زن. تهران: امیرکبیر.
- حقیگو، حجت‌الله. (۱۳۹۰). تفاوت‌های ساختارهای مغزی زن و مرد و تأثیرهای شناختی آنها. مجموعه مقالات جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
- خدارحیمی، سیامک و همکاران. (۱۳۷۷). روانشناسی زنان. اهواز: مردمک.
- رودگر، نرجس. (۱۳۸۸). فمینیسم، تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها و نقدها. چاپ اول، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

- زیبایی نژاد، محمدرضا؛ سبحانی، محمدتقی. (۱۳۸۵). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. چاپ سوم، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- زیبایی نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۸). هویت و نقش های جنسیتی. تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- سیف، سوسن، و همکاران. (۱۳۷۷). روان شناسی رشد ۱. چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم جامعه شناسی. تهران: نشر نی.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۹۵). آشنایی با مفاهیم جامعه شناسی. تهران: انتشارات نی.
- علاسوند، فریبا. (۱۳۹۰). زن در اسلام. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- کارل، الکسیس. (۱۳۸۷). انسان موجود ناشناخته. ترجمه حمید عنایت. چاپ هشتم، تهران: امیر بهادر.
- کالاک، جیمز. (۱۳۹۶). روان شناسی فیزیولوژیک. ترجمه یحیی سید محمدی. ویراست دوازدهم، ناشر: روان.
- گان، کریستین. (۱۳۸۱). استخوان شناسی و مفصل شناسی، پرسش و پاسخ آناتومی اندام فوقانی و تحتانی. ترجمه بهرام الهی و نورالدین نخستین انصاری. ناشر: نخل.
- گری بنوات. (۱۳۷۷). زنان از دید مردان، ترجمه محمدجعفر پوینده. انتشارات: تهران
- گری، بنوات. (۱۳۷۹). زنان از دید مردان. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران.
- گری، جان. (۱۳۸۰). مردان مریخی و زنان ونوسی. ترجمه لوئیز عنذلیب و اشرف عدیلی. چاپ سیزدهم، تهران: علم.
- گری، جان. (۱۳۸۵). مردان مریخی و زنان ونوسی. ترجمه مهدی قراچه داغی. چاپ سی و پنجم. تهران: آسیم.
- گنجی، حمزه. (۱۳۸۶). روانشناسی تفاوت های فردی. انتشارات بعثت.

- لسی مان، نورمن. ۱۳۸۸. اصول روانشناسی "اصول سازگاری آدمی". ترجمه محمود ساعتچی. شرکت چاپ و نشر بین‌الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی).
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۹۵). روانشناسی رشد، ج ۲، تهران: انتشارات رشد.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۱). روان‌شناسی رشد ۲. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.
- لمبروزر، ج. (۱۳۹۶). روح زن. ترجمه پری حسام‌شاه رئیس. تهران: دانش.
- مشیرزاده، ح. (۱۳۸۲). فمینیسم، از جنبش تا نظریه اجتماعی. تهران: شیرازه.
- نخعی نیا، فاطمه؛ وزیری محبوب، سید جمال؛ کمیلی، محمدباقر. (۱۳۹۱). تفاوت‌های زن و مرد از لحاظ توانایی‌های روحی، قدرت بدنی و کارآمدی، دانشگاه حوزه علمیه خراسان.
- هاید، ژانت. (۱۳۷۷). روان‌شناسی زنان. ترجمه بهزاد رحمتی. تهران: لادن.
- Jennifer, C. R., Linda, P. (2013). Gender and longevity: Why do men die earlier than women? Comparative and experimental evidence. *Best Practice & Research Clinical Endocrinology & Metabolism*, 27: 467–479
- Khosravi, Z. (2003). *Psychological Foundations of Gender*. Alzahra University Press, Tehran, Iran.
- Letitia, A. P. (2003). Human Sexuality: How Do Men and Women Differ. *CURRENT DIRECTIONS IN PSYCHOLOGICAL SCIENC*. Psychology Department, University of California. *American Psychological Society*. 12(2), 37-39.
- Mazaheri, M. A. (2004). Convention from the Psychology Approach. *Journal of Philosophy and Theory*, 8(31), 2-19.
- Moazeni, S. M., & Moazeni, S. A. (2012). Psychological Differences of Women and Men. *Journal of Mental Health*, 8(41), 20-26.

- Pease, B., & Pease, A. (2001). *Why Men tttt t ttt en ddd Wmmen cnntt ee ad M????* Pease International Pty Ltd. New York.
- Safiri, K.H., & Imanian, S. (2009). *Sociology of Gender*. Sociologist Publication, Tehran, Iran.

Study of differences between women and men from physiological and cognitive perspective

Abstract

The purpose of this study was to investigate the differences between men and women physiologically and cognitively in a descriptive-analytical way through a review and library method. The results of this study indicate that the criterion of dignity and dignity of individuals is humanity, not gender, but one can not deny the natural differences between men and women and deny the differences in their instincts and tendencies and talents, and this difference needs to be made. Pay attention. Also, the average size of some blood and hormonal characteristics is different in men and women, so that observation of what is in the natural man's body is a warning in the blood or urine of the woman, for example, and may be a sign of a disorder or illness. Also, the overall intelligence of women and men is largely identical.

Key words: woman, man, physiological, cognitive.